ایران، روسیه و چین سه قدرت مهم و مستقل در مقابل توسعه‌طلبی آمریکا و غرب

گفت‌وگو با مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل

بخش اول

بیست و هشتم تیرماه، رؤسای جمهور روسیه و ترکیه با رهبر انقلاب اسلامی دیدار و گفت‌وگو کردند. این دیدارها همزمان با اجلاس سه‌جانبه موسوم به آستانه برگزار شد و محتوای آن بازتاب مختلفی در رسانه‌های بین‌المللی و افکار عمومی داشت.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر و حفظ آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در گفت‌وگویی تفصیلی با دکتر علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر معظم انقلاب اسلامی در امور بین‌الملل، به بررسی محورهای مهم و متنوع که در این دیدارها درباره آن‌ها بحث و تبادل نظر شد، پرداخته است که تقدیم خوانندگان محترم نشریه افق حوزه می‌شود.

▫ با توجه به سفر اخیر مقامات دو کشور روسیه و ترکیه به ایران و برگزاری نشست سه‌جانبه، در ابتدا می‌خواهیم، منطق ارتباط با شرق و شکل‌گیری نگاه به شرق و به‌طور کلی ارتباط با همسایگان و خصوصاً روسیه را بررسی کنیم. نظر جناب‌عالی نسبت به این ارتباطات و روابط هم‌پیمانی با چین و روسیه در مقابل ارتباط با غرب و آمریکا چگونه است؟

نگاه به شرق نگاهی است که هم امام فرمودند و هم رهبر انقلاب؛ یعنی اینکه ما نگاهمان به‌سمتی باشد که در حال طلوع است. در حال حاضر، مشخصاً شاهدیم، شرق در حوزه‌های مختلف به‌پا خاسته است؛ هند یک‌جور، چین یک‌جور، روسیه یک‌جور و دیگر کشورهای آن منطقه هم جور دیگر. حضرت امام و آقا فرمودند: کشف شرق در حال طلوع اهمیت دارد.

یک موقع با صدراعظم آلمان، آقای کهل در بن ملاقات داشتم. کنار هم نشسته بودیم که گفت: زمانی آقای گورباچف در جای شما کنار من نشسته بود و به ما گفت: همان‌طور که آب رودخانه راین می‌رود و برنمی‌گردد، کمونیسم هم، دیگر به کرملین برنمی‌گردد. رفتار آقای پوتین و اعتقاداتش که در اعمالش بروز می‌کند، اعتقاد به معنویت است؛ به این ترتیب که در گذشته حاکمان کرملین بی‌خدا و آتئیست بودند و اکنون از رئیس تا پایین‌ترین حد سکنه‌های آن کشور، نوعاً یا مسیحی هستند، یا مسلمان؛ یا به کلیسا می‌روند و یا به مسجد. در چین یک زمانی آقای مائو تسه‌تونگ، رهبر چین، کمونیست دوآتشه بود و بعد از انقلاب دوم که توسط گاردهای سرخ انجام شد، دوآتشه‌تر شد. بعد از فوت مائو، دنگ شیائوپینگ به رهبری حزب کمونیسم چین رسید و تحول کنونی اقتصاد در چین را آغاز کرد. اکنون، نه اقتصاد چین به کمونیسم می‌ماند و نه نحوه اداره جامعه و تعامل آن‌ها با دنیای خارج؛ بلکه یک مدل به‌اصطلاح تکامل‌یافته چینی است که موفق هم بوده است و برخلاف سال‌های دهه۶۰ و ۷۰ قرن بیستم میلادی، از هیچ حرکت به‌اصطلاح خلقی تحت نام مائوئیسم و غیر آن، حمایت نمی‌کنند و اصرار دارند، تأکید کنند که به‌هیچ‌وجه قصد مداخله در امور دیگر کشورها را ندارند و واقعاً هم مداخله نمی‌کنند؛ برعکس زمان مائوئیست‌ها.

حال بعضی می‌گویند: درست است که این کشورها مارکسیست نیستند؛ ولی کشورهای قوی هستند که می‌توانند برای اعمال نظر در مسائل ایران تلاش کنند؛ ولی توجه ندارند که اکنون، نه ایران، ایران زمان پهلوی و قاجار است؛ بلکه مقتدرتر از هر زمان دیگری بعد از اسلام است و نه روسیه، شوروی سابق و نه چین، کشور خشن توسعه‌طلبی است که در اذهان ما بود. هژمونی در زمانی مؤثر واقع می‌شود که طرف مقابل ضعیف باشد؛ ولی ایران یک کشور قوی و مقتدر است. در آنجایی که ما بخواهیم، با کشورها مراودات داشته باشیم و بحث چین و روسیه باشد، با کمال اقتدار این کار را انجام می‌دهیم و نه چین و نه روسیه نمی‌توانند، در امور داخلی ما دخالت کنند.

یک زمانی صحبت از حکومت پهلوی به میان می‌آید. درک مردم از نظام پهلوی این است که انگلیس‌ها آن‌ها را آورده‌اند و چند جای تاریخ، خود انگلیسی‌ها به این موضوع اذعان نموده‌اند که شرح دقیق آن در حوصله بحث نمی‌گنجد. خب، معلوم است که حکومتی آن‌چنینی از موضع ضعف با ابرقدرت‌ها وارد می‌شود؛ ولی جمهوری اسلامی ایران این‌گونه نیست. ما طی این چهل‌وچهار سال، به بهترین شکل شعار «نه شرقی، نه غربی» را در عمل اجرا و اثبات کردیم.

یک زمانی قائم‌مقام وزیر امورخارجه شوروی سابق، در محل وزارت خارجه به ملاقات من آمد. به او گفتم: چرا شما به صدام موشک می‌دهید و به ما نمی‌دهید؛ گفت: اگر شما دست از حمایت مجاهدین افغانستانی بردارید، ما از شما حمایت می‌کنیم و سلاح می‌فروشیم؛ ولی ما ذره‌ای از اصولمان منحرف نشدیم و بی‌توجه به حمایت‌های غرب ایستادیم و اساسی‌ترین نقش را در کمک به مجاهدین افغانستانی داشتیم و در آخر ایران نقشی اساسی در پیروزی مجاهدین داشت.

محمدرضاشاه خودش، در کتاب «پاسخ به تاریخ» –که حالا یا خودش نوشته یا برایش نوشتند– می‌گوید: که بله، متأسفانه آمریکایی‌ها با اینکه من این‌همه به آن‌ها خدمت کردم؛ ولی از من حمایت نکردند. در آن زمان، شاه برای کمک به آمریکایی‌ها به کنگو، ظفار و ویتنام نیرو فرستاد. می‌گوید: این‌همه خدمت کردم، بعد سالیوان به من کمک نکرد. ببینید! بالاترین مقام کشور، نگاه به سفیر یک کشور بیگانه دارد.

در واقع، همواره پشتوانه نظام سیاسی انقلاب اسلامی، حضور و حمایت مردم بوده و هست. حکومتی که مردمی باشد مثل ایران، می‌تواند جلوی همه بایستد؛ از آمریکایی‌ها گرفته تا شوروی و این یعنی «نه شرقی، نه غربی» و تنها جمهوری اسلامی. حال با تمام این تفاسیر، اگر چنین نظام مستقلی درصدد تعمیق روابط با کشورهای مؤثر در سطح جهان باشد، معنایش پذیرش سلطه ابرقدرت‌هاست؟

ما در جهان جزء معدود کشورهایی هستیم که به‌وضوح مقابل آمریکا ایستاده و با اقتدار به حیات سیاسی خود ادامه می‌دهد و با کشورهای دیگر رابطه برقرار و برخورد می‌کند. خب، چه اشکال دارد، ما با کشورهایی مثل روسیه، چین و هند رابطه داشته باشیم؟! این کشورها صاحب فناوری هستند و بارها برخلاف غرب، درخواست‌های ما را اجابت کرده‌اند و توانایی‌های خودشان را در اختیار ما گذاشته‌اند. خب، ما از یک کشور هم‌پیمان دیگر چه می‌خواهیم؟

▫ در بحث منافع اقتصادی اگر بخواهیم، از لحاظ ژئوپلیتیک و منافع اقتصادی یا ترانزیت، موضوع را بررسی کنیم، فرصت‌ها و ظرفیت‌های روسیه چیست؟

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های همکاری منطقه‌ای ما با شرق همین موضوع است. مثال می‌زنم. هند اگر بخواهد، محصولات خود را به حوزه بالتیک ببرد و هزینه کمتری در این ترانزیت پرداخت کند، حتماً باید از خاک ما استفاده کند؛ یعنی از بندر چابهار و خطوط ترانزیتی جنوب شرق به شمال غرب ایران بهره ببرد و به این صورت، حداقل چهل درصد در هزینه و چهل درصد در وقت صرفه‌جویی می‌کند تا اینکه بیاید، از مسیر باب‌المندب، کانال سوئز، جبل‌الطارق و مدیترانه به حوزه بالتیک دسترسی پیدا کند.

در مورد روسیه هم همین موضوع صدق می‌کند. مسیر بندر چابهار و خطوط ارتباطی شمال به جنوب ایران، بهترین و باصرفه‌ترین مسیر ترانزیتی برای روسیه محسوب می‌شود. راه ارتباطی چین از مسیر راه ابریشم هم که سبقه تاریخی دارد؛ پس، اگر همین نقشه را دقیق بررسی کنیم، می‌بینیم که یکی از موهبت‌های خدادادی به کشور ما، همین موضوع است که ما در منطقه ژئوپلیتیک و مسیر راهبردی اصلی ارتباط شرق با غرب قرار گرفته‌ایم و از این طریق می‌توانیم، استعدادهای خوبی برای تعامل با کشورها برای خود فراهم سازیم. اگر به نقشه نگاه کنید، ملاحظه می‌کنید که نزدیک‌ترین راه برای دسترسی جمهوری‌های آسیای مرکزی و افغانستان به دریای آزاد ایران است و همچنین نزدیک‌ترین راه، برای دسترسی به شرق دور، کشورهای روسیه، جمهوری‌های سابق شوروی، اروپای شرقی و حتی بعضی از کشورهای عربی و ترکیه، ایران و استفاده از امکانات ترانزیتی ایران است.

در حوزه تجارت انرژی هم، این موضوع صدق می‌کند. هم‌اکنون، ما با ترکمنستان سوآپ گازی داریم؛ یعنی از ترکمنستان گاز تحویل می‌گیریم و به مصرف خراسان می‌رسانیم و به‌ازای آن، به‌همان مقدار به آذربایجان گاز تحویل می‌دهیم و به این طریق هزینه صادرات گاز ترکمنستان را کاهش می‌دهیم. طبیعتاً منافعی هم برای ما تأمین می‌گردد. برای روسیه و قزاقستان هم همین کار را می‌کنیم. نفت قزاقستان و روسیه را از طریق دریای خزر دریافت کرده و به مصرف داخلی می‌رسانیم و در جنوب به‌همان میزان، به مشتریان این کشورها تحویل می‌دهیم؛ بنابراین، ژئوپلیتیک بودن ایران، بهترین مسیر تجاری منطقه محسوب می‌شود.

▫ این مسئله در مورد سایر همسایگان و کشورهای نزدیک از قبیل چین و هند هم صدق می‌کند.

بله، در طی سال‌های تحریم، بهترین مشتری ما چین بود و ما در بعضی سال‌ها بالغ بر ۵۲ میلیارد دلار معامله تجاری با چین انجام می‌دادیم. این حرکت بین ما و چین نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر، بعد از جنگ تحمیلی، رابطه اقتصادی و تجاری ایران و چین علی‌رغم مخالفت آمریکا و متحدان غربی‌اش، رشد کرده است. این بهترین پاسخ به کسانی است که رابطه ایران و چین را زیر سؤال می‌برند. صریح‌تر بگویم، از ابتدای انقلاب تاکنون، آمریکایی‌ها ظرف این چهل‌وچهار سال، کوچک‌ترین نشانی از حسن‌نیت نسبت به ما نشان ندادند؛ بلکه هرجا توانستند، در حوزه بین‌الملل علیه ایران قطعنامه‌های محدودکننده صادر کردند و هر چقدر توانستند، ما را تحریم کردند و به اقرار خودشان، صدام حسین را تحریک کردند که به ایران حمله کند و در این جنگ نیز، از او پشتیبانی کردند. لابد تصویر آقای رامسفلد، وزیر دفاع دولت بوش را دیده‌اید که در زمان ریگان به‌عنوان فرستاده نظامی در عراق از سوی آمریکا، در حال گفت‌وگو و ملاقات با صدام است که طی آن بسیاری از کمک‌های نظامی و اطلاعاتی به‌خصوص از طریق ماهواره‌ها را به عراق تدارک دید و انجام داد.

همواره پشتوانه نظام سیاسی انقلاب اسلامی حضور و حمایت مردم بوده و هست. حکومتی که مردمی باشد مثل ایران می‌تواند جلوی همه بایستد؛ از آمریکایی‌ها گرفته تا شوروی و این یعنی «نه شرقی، نه غربی» و تنها جمهوری اسلامی. حال با تمام این تفاسیر اگر چنین نظام مستقلی درصدد تعمیق روابط با کشورهای مؤثر در سطح جهان باشد معنایش پذیرش سلطه ابرقدرت‌هاست؟!

در قضیه برجام نیز، اوباما برخلاف قول اولیه‌اش –که به‌صورت مکتوب توسط پادشاه عمان به ایران ارسال نمود که اگر ایران صرفاً به‌سوی استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برود، آمریکا تحریم‌ها را برداشته و در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مخالفت نخواهد کرد– عمل کرد و زیر قولش زد و ترامپ، بدتر از اوباما و به‌صراحت و بدون هیچ دلیل موجهی، شمشیرها را علیه ایران از رو بست.

متأسفانه کشورهای اروپایی به‌لحاظ تبعیت از سیاست‌های آمریکا و پذیرش بی‌قیدوشرط تحمیل‌های آن‌ها در سیاست خارجی، آن‌قدر تنزل کرده‌اند که در تاریخ اروپا سابقه ندارد. در چنین شرایطی چگونه بعضی از افراد با ساده‌لوحی می‌گویند: به‌سمت غرب برویم؟! کدام غرب؟! غربی که تحت فشار آمریکا و تلقینات سراسر دروغ دوره‌گردهای صهیونیست، همواره علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغات دروغ می‌کنند، فشار سیاسی می‌آورند و در جهت تضعیف جمهوری اسلامی، از هیچ‌کاری فروگذار نمی‌کنند؛ غربی که در حد یک کمپانی نفتی فرانسوی، بعضی از مسئولان گذشته ساده‌دل ما را تشویق می‌کردند که همکاری با چین را در حوزه نفت و گاز متوقف کنید و این توصیه، مورد قبول قرار می‌گیرد و خود آن کمپانی در ایرانی می‌آید و یک عکس یادگاری با مسئولین وزارت نفت گرفته و خداحافظی می‌کند و می‌رود، چه نفعی برای جمهوری اسلامی ایران دارد؟ درحالی‌که بیشترین خرید نفت و انتقال تکنولوژی توسط چین با وجود ناآگاهی و اقدامات ساده‌لوحانه بعضی از مسئولان وزارت نفت در گذشته نادیده گرفته می‌شود. نمونه دیگر در خصوص حوزه فناوری است. آلمان‌ها به‌محض وقوع انقلاب، با فشار آمریکا ساخت رآکتور هسته‌ای را در بوشهر که پنجاه درصد آن به اتمام رسیده بود، رها کردند و رفتند و سال‌ها مجموعه نیمه‌ساز معطل ماند تا روس‌ها آمدند و آن را به اتمام رساندند. اینجانب سال‌ها مذاکره کردم؛ ولی آن‌ها حاضر نشدند، یک‌قدم خلاف نظر آمریکایی‌ها به‌نفع ایران بردارند؛ یعنی در طول چهل و چهار سال انقلاب اسلامی ایران، یک جنگ تمام‌عیار از سوی آمریکا و متحدینش علیه ایران صورت گرفته است.

روسیه در بسیاری از موارد در فناوری‌های پیشرفته به کمک ایران آمد. عقل چه می‌گوید؟ آیا ما به‌سمتی برویم که همواره با این مردم و کشور دشمنی کرده، یا به‌طرفی برویم که تا آنجا که توانسته، کمک کرده است؟ البته این را بگویم که چین و روسیه با ما عقد اخوت نخوانده‌اند؛ بلکه آنان نیز بر اساس مصالح خود عمل می‌کنند؛ ولی عاقلانه‌تر از غربی‌ها! امروز در آسیا سه قدرت مهم ایران، روسیه و چین وجود دارند که مستقل‌اند و مقابل توسعه‌طلبی آمریکا و غرب ایستاده‌اند.

در طی ماه‌های اخیر، آمریکا، استرالیا و انگلیس، علیه چین در اقیانوس هند مانور نظامی برگزار کردند و متقابلاً با فاصله کوتاهی جمهوری اسلامی ایران و چین و روسیه در شمال اقیانوس هند مانور برگزار کردند. بعدها متأسفانه هند، ژاپن و امارات نیز به آن جمع اول پیوستند. آنچه مسلم است، اینکه علت گرایش جمهوری اسلامی ایران برای همکاری با چین و روسیه، تعامل طرفین در همکاری و معاضدت با یکدیگر است. هر سه این کشورها (ایران، روسیه و چین)، حول این اهداف مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند:

۱. مقابله با توسعه‌طلبی و هژمونی آمریکا و غرب علیه شرق مستقل؛

۲. هر سه کشور مستقل‌اند و هیچ‌یک از آن‌ها به هیچ قدرت بیگانه‌ای متصل نیستند و باج نمی‌دهند؛

۳. هر سه کشور مورد حمایت ملت‌های خود هستند؛

۴. ایران و چین حافظ فرهنگ و تمدن شرق هستند و روسیه هم، ذوجنبتین است؛ از کوه‌های اورال به‌سمت غرب اروپایی و از اورال به‌سمت شرق آسیایی. به هر حال، تعارضی با پیشرفت فرهنگ شرقی ندارد؛ ضمن اینکه دومین قومیت در روسیه بعد اسلاوهای ارتدکس، مسلمانان هستند. دیگر اینکه ما با هر دو کشور رابطه دیرینه فرهنگی و تجاری و اقتصادی داریم. از طریق خوارزم با روسیه، تحت عنوان سقلابیه و از سمت ماوراءالنهر با غرب چین تحت عنوان ختا (سین‌کیانگ) و ختا (تبت) ارتباط تاریخی، فرهنگی و تجاری طولانی داشتیم.

در شمال ایران در قفقاز و آسیای مرکزی و دریای خزر ما با روسیه همسایه هستیم و در شرق، با یک فاصله (کشور افغانستان)، با چین همسایه هستیم و هر سه، عضو اصلی پیمان شانگهای هستیم که پیمانی سریع‌الرشد و جامع و ان‌شاءالله عرصه‌ای برای رشد اقتصادی ایران است. عضویت با روسیه در پیمان اوراسیا که اخیراً مزیت‌های خوبی را برای ایران در نظر گرفتند که از جمله آن‌ها، حذف تعرفه‌های گمرکی و کاهش قابل‌ملاحظه آن است و ظرف همین مدت کوتاه، مبالغ قابل‌ملاحظه‌ای از ایران به این کشورها صادرات شده است. دریای خزر از مهم‌ترین عناصر حیات بیولوژیک ایران است که با روسیه و سه کشور دیگر مشترکیم و اخیراً در آخرین تحرک غرب به رهبری آمریکا، قرار بود که علیه ما قطعنامه‌ای صادر شود که روسیه و چین آن را وتو کردند.

در گذشته و قبل از انقلاب اسلامی، مانور مشترک تحت امر آمریکا و انگلیس، بدون در نظر گرفتن منافع ایران انجام می‌گرفت. ممکن است گفته شود که اگر آمریکا و انگلیس نیستند، الآن روسیه و چین هستند؟ این‌طور نیست. در آن زمان، تعیین محل مانور و هدف‌گیری‌اش از سوی آمریکایی‌ها بود؛ مانند مانور در اقیانوس هند برای تهاجم مشترک ایران و غرب به ظفار در جنوب عمان که به هیچ‌وجه منافع ایران در آن رعایت نشد و برعکس در طول تاریخ، همواره این دو کشور از یکدیگر حمایت می‌کردند: از جمله حمایت نادرشاه از سلطان مسقط، زمانی که نجدی‌های بیابان‌گرد مسقط را اشغال کردند، نادرشاه به آنجا نیرو فرستاد و مسقط را بازپس گرفت و آن را مجدداً به سلطان عمان داد؛ درحالی‌که در قضیه ظفار برعکس بود؛ یعنی با هدایت انگلیس و حمایت آمریکا، نیروهای ایران به دستور شاه، علیه مردم جنوب لبنان جنگیدند. اکنون، اگر آمریکا، انگلیس و استرالیا در اقیانوس هند، علیه چین مانور انجام می‌دهند، معنای آن به خطر انداختن دریانوردی جمهوری اسلامی ایران در اقیانوس هند و خلیج فارس و دریای عمان است؛ والا نه آمریکا، نه انگلیس و نه استرالیا، هیچ‌کدام اهل این منطقه نیستند؛ البته ناگفته نماند که ایران می‌تواند به‌تنهایی از خودش دفاع کند؛ ولی عقل سلیم حکم می‌کند که با کشورهایی که با ما هم‌هدف هستند، در جهت پیشگیری برای آینده تدبیر کنیم؛ مضافاً بر اینکه ایران تنها مدافع خود نیست؛ چراکه حرکت‌های استعماری گذشته مثل پرتغالی‌ها در قرن پانزدهم میلادی، انگلیس و هلند در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی و آمریکا در قرن بیستم و دو دهه اول قرن بیست‌ویکم، بیشترین صدمه را به امنیت کشورهای اسلامی به‌خصوص در غرب آسیا زده‌اند. ان‌شاءالله با همت مردم ایران و کمک دوستان واقعی‌مان نه‌تنها از تمامیت ارضی ایران؛ بلکه از جهان اسلام در حد اقتضاء و وسع و مصلحت دفاع می‌کنیم.

ادامه دارد...

• اخبار کوتاه جهان

• آمریکا

▫ **وزیر خزانه‌داری آمریکا: تورم در ایالات متحده بسیار بالاست:** اقتصاد آمریکا در حال کُند شدن است. به فدرال رزرو دستور داده شده است که سیاستی را دنبال کند که تورم را کاهش دهد.

▫ **شکایت خانواده‌های آمریکایی از اینستاگرام:** اینستاگرام از طرف خانواده‌های آمریکایی متهم‌شده که باعث عوارض خطرناکی برای سلامت روان از جمله افسردگی، اختلال تغذیه و اقدام به خودکشی می‌شود. در این شکایات آمده: متا باوجود اطلاع نسبت به ویژگی‌های خطرناک اینستاگرام، درآمدهای نجومی‌اش را نسبت به جان انسان‌ها در اولویت قرار می‌دهد و به جامعه درباره تأثیرات مضر اینستاگرام و فیس‌بوک دروغ می‌گوید.

▫ **روسیه گوگل را ۳۴ میلیون دلار جریمه کرد:** سازمان تنظیم مقررات روسیه، گوگل را به‌دلیل سوءاستفاده از موقعیتش در یوتیوب، ۳۴ میلیون دلار جریمه کرد. هفته پیش هم روسیه گوگل را به‌خاطر حذف نکردن اخبار جعلی در مورد جنگ اوکراین، ۳۵۸ میلیون دلار جریمه کرده بود.

▫ **نیویورک‌تایمز: ایران به‌دنبال صادرات پهپاد در جهان است:** یک روزنامه آمریکایی مدعی شده، ایران فروش فناوری‌های پهپادی به کشورهایی در خارج از منطقه خاورمیانه را افزایش داده و در تلاش است به یک بازیگر بین‌المللی برای عرضه این محصولات تبدیل شود. نیویورک‌تایمز ادعا کرده، ایران در تلاش است پهپادهای نظامی پیشرفته خودش را در اختیار کشورهای تحت تحریم مانند ونزوئلا و سودان قرار دهد. روسیه نیز اکنون یکی از مشتری‌های بالقوه ایران است.

▫ **ترامپ: آمریکا به زانو درآمده است:** رئیس‌جمهور سابق آمریکا: آمریکا به یک «ملت گدا» تبدیل شده است که از دیگر کشورها انرژی گدایی می‌کند. آمریکا به معنای واقعی کلمه به زانو درآمده است. تورم بالاترین تورم در ۴۹ سال گذشته است.

• لبنان

▫ **سیدحسن نصرالله: میادین نفت و گاز رژیم صهیونیستی در تیررس ماست:** آمریکا و اروپا نیازمند نفت و گاز شده‌اند و رژیم صهیونیستی فرصت را مناسب می‌داند تا نفت و گاز ساحل لبنان را برای خودش استخراج کند. هیچ هدف اسرائیلی در زمین و دریا وجود ندارد که موشک‌های نقطه‌زنِ مقاومت به آن نرسد. حزب‌الله بارها به صهیونیست‌ها هشدار داده که در منطقه مورد منازعه در آب‌های لبنان، نفت و گاز استخراج نکند؛ زیرا با واکنش مقاومت روبه‌رو خواهد شد.

▫ **رصد پهپادی حزب‌الله از مناطق اشغالی: سید حسن نصرالله:** آن‌ها با F۱۶ و گنبدآهنین دو پهپاد را هدف قرار دادند اما پهپاد سوم تا نقطه مورد نظر ما رسید و ما در پایان مأموریت، آن را در دریا انداختیم.

• روسیه

▫ **روسیه کنترل دومین نیروگاه بزرگ اوکراین را به‌دست گرفت: مشاور رئیس‌جمهور اوکراین:** روس‌ها کنترل تأسیسات حرارتی ووهلهیرسک با سوخت زغال‌سنگ در دونتسک را، که دومین نیروگاه بزرگ برق این کشور است، به دست گرفتند.

• رژیم اشغالگر صهیونیستی

▫ **محکومیت رژیم صهیونیستی توسط نمایندگان فرانسه:** ده‌ها نفر از نمایندگان پارلمان فرانسه، پیش‌نویس قانونی را امضا کرده‌اند که نظام آپارتاید رژیم‌صهیونیستی علیه ملت فلسطین را محکوم و بر ضرورت برداشتن موانع پیش‌روی دعوت به تحریم کالاهای رژیم اشغالگر تأکید می‌کند.

▫ **اطلاعات دانشجویان رژیم صهیونیستی به دست هکرها افتاد:** هزاران نفر از دانشجویان یک کالج رژیم صهیونیستی، پیامی در رابطه با افتادن اطلاعات شخصی‌شان به دست هکرها دریافت کردند. تلویزیون رژیم‌صهیونیستی: احتمالا پایگاه اطلاع‌رسانی دانشکده ساپیر واقع در شهرک مهاجرنشین سدیروت به دست هکرها افتاده و اطلاعات مربوط به هزاران نفر از دانشجویانش اکنون در اختیار آنهاست.

▫ **نتانیاهو: همه‌چیز در اسرائیل در حال نابودی است: نخست‌وزیر پیشین رژیم‌صهیونیستی:** میراث من که هماهنگی نظامی نزدیک با روسیه بود، در حال نابودی است. همه‌چیز در حال خراب شدن است. رفتار گانتز و لاپید امنیت ملی ما را به خطر می‌اندازد. اگر بحران فوراً پایان نگیرد، آسیب به امنیت ما بسیار زیاد خواهد بود.

▫ **افزایش حالت آماده‌باش در تمام مناطق رژیم صهیونیستی: رسانه‌های رژیم‌صهیونیستی:** در اسرائیل (مناطق اشغالی)، تهدیدهای «نصرالله» را جدی می‌گیرند و حالت آماده باش در تمام مناطق افزایش یافته است.

• ونزوئلا

▫ **یک میلیون هکتار زمین ونزوئلا در اختیار ایران: معاون اقتصادی وزیر کشور:** ونزوئلا ۱ میلیون هکتار زمین کشاورزی برای کشت فراسرزمینی در اختیار ایران قرار داده است.

• آلمان

▫ **قطع ارتباط تجاری با ایران به ضرر ما شد: رئیس اتحادیه فدرال توسعه اقتصادی و بازرگانی خارجی آلمان:** امروز با توجه به پیشرفت‌هایی که در ایران صورت گرفته است، قطع ارتباط تجاری بیش از آنکه به ضرر ایران باشد، به ضرر تجار آلمانی تمام شده و ما نمی‌توانیم از ظرفیت‌های موجود در ایران بهره ببریم.

• کره شمالی

▫ **اون: کره شمالی آماده جنگ با آمریکاست: رئیس کره شمالی:** ارتش، نیروهای خود را برای بازدارندگی هسته‌ای آماده کند. پیونگ‌یانگ آماده جنگ با آمریکاست. به دولت کره جنوبی و ارتش آن هشدار می‌دهیم که در صورت انجام اقدامات خطرناک ممکن است با نابودی مواجه شوند.

• چین

▫ **چین خطاب به آمریکا: با آتش بازی نکنید!** رئیس‌جمهور چین در گفت‌وگوی مجازی با «جو بایدن» به وی هشدار داد، در مورد موضوع تایوان با آتش بازی نکند. رئیس‌جمهور چین: چین مخالف استقلال تایوان و دخالت خارجی در این منطقه است و اگر لازم باشد، با زور و اجبار، تایوان را تحت حاکمیت خود در می‌آورد.